

گزارشی از
وضعیت ایرانیان زرتشتی

آقشین نادری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



مقدمه

ایران زادگاه آسوا زرتشت و خاستگاه آیین مزدیسناست و زرتشتیان، ایرانیانی اند که با وجود فشارها بر کیش خود ماندند یا به هند مهاجرت کردند و پارسیان نام گرفتند و یا به مناطق کوبیری پناه بردند و در تداوم حیات خود حافظان اصلی فرهنگ و سنت‌هایی بسیار کهن شدند.

از زندگی آشوزرتشت

آشوزرتشت پیامبر زرتشتیان است. سنت زرتشتیان عصر وی را حدود ۶۰۰ ق. م می‌داند: (معین، ۱۳۷۱، ص ۶۴۸). کتاب اوستا، زادگاه پیامبر را رگه (Ragah) محلی در کنار رودخانه درجی (Droji) و در نزدیکی دریاچه چیچست گزارش کرده است.

پدر آشوزرتشت پوروشسپ، مادرش دغدو و همسرش هووی نام داشته است. فرزندانش سه پسر به نام‌های ایسدواستر، اروتدندر و خورشیدچهر و سه دختر به نام‌های تریتی، فرین و پورچیستا بوده‌اند.

زرتشت در نوجوانی باورهای خرافی مردم و پرستش خدایان پنداری را نادرست تشخیص داد. نگاه در بیست سالگی، تنهایی را برگزید و به طبیعت روی کرد. او در سی سالگی از سوی خدا به پیامبری برگزیده شد و برای نخستین بار، آیین یکتاپرستی را سفارش کرد (نک شهزادی، دین دانش، ص ۱۰ و نیکنام، ۱۳۸۲، ص ۱).

واقعیاتی فراتر از افسانه

نام زرتشت تنها نامی است که در زمینه اندیشه و

تفکر دین از جهان باستانی و دیرینه اقوام هندواروپایی به یاد مانده است. تصویر زرتشت «فرزانه»^۲ در تاروپود اساطیر و داستان یافته شده و «از افسانه آن سوی تر» رفته است. در اوستا گاهی چنان از او سخن می‌رود که گویا از چهره کهنی محاط در هاله‌ای از قداست دور است. اگر اشارات روشن خود وی در گاهان - سرود آسمانی پیامبر - نمی‌بود به خوبی همه شرایط آماده بود که وجود تاریخی او اصلاً انکار شود.

زرتشت در گاهان از خود با صیغه اول شخص مفرد یاد می‌کند و از دشواری‌ها گلایه دارد و از دستمزد خویش سخن می‌گوید و خوبشاونندان و دوستانش را نام می‌برد و نکاتی را می‌آورد که همه مبین زندگانی فردی انسانی واقعی بر روی کره خاک و وجودی تاریخی و عادی است» (مژدایور، ۱۳۸۲، ص ۱۷). آشوزرتشت در یسنا، های ۴۶، بند یک می‌گوید: به کلام خاک روی آوردم، به کجا رفته پناه جویم، دشمنان مرا از دوستان و بستگان جدا کرد، همه از من کناره می‌جویند. از بزرگان و فرمانروایان نادرست ناخشنودم.

متون مذهبی زرتشتیان

مجموعه متون مذهبی زرتشتیان، امروز اوستا خوانده می‌شود. برخی اوستا را به معنی پناه دانسته‌اند. برخی به معنی معرفت و دانش. اما اوستا در اصل اساس، بنیان و متن اصلی است. زبانی که اوستا به آن نوشته شده زبانی کهن شبیه سانسکریت و از همان اصل و بنیان است. البته بعدها در ادوار بعدی این زبان منسوخ شد، اما به

عنوان زبان ویژه مذهبی باقی ماند.

اوستای کنونی به ۴ بخش تقسیم شده است: ۱. یسنا، ۲. یشت‌ها، ۳. ویسپرد و ۴. خرده اوستا گات‌ها یعنی سرودهای پاک که قدیمی‌ترین قسمت اوستاست در یسنا جای داده شده است. گات‌ها سرودهای ورجاوند و سرودهای آشوزرتشت هستند که نخستین سروده‌های شعرگونه جهان نیز به حساب می‌آیند. گات‌ها در روزگار باستان با آهنگ ویژه دلپذیری خوانده می‌شد. امروز هم گات‌ها را با آهنگ خاصی می‌خوانند. پیام گات‌ها در بیان آشوزرتشت را مانتره می‌گویند که «کلام اندیشه برانگیز» معنی می‌دهد.

اهورامزدا

اهورا یعنی هستی‌بخش، مز یعنی بزرگ و دا از دانش و دانایی آمده است. از این دیدگاه، خداوند دانای بزرگ است و با خردی که به انسان بخشیده جایگاه ارزشمند انسانی و دانایی را به او اعطا کرده است.

آشا: هنجار هستی

در کیش آشوزرتشت، اهورامزدا جهان را به پایه هنجاری آفریده که بر تمام هستی حکمفرماست. آشوزرتشت در گات‌ها این هنجار و نظم حساب شده را «آشا» (asa) می‌نامد. آشوزرتشت از ۸۹۶ کلمه گات‌ها، ۱۸۰ بار کلمه «آشا» را به کار می‌برد. او در های ۳۴ بند ۲ می‌گوید: پروردگارا! به ما بیاموز که چگونه در پرتو اشا (راستی) رهسپار تو گردیم.

پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع مطالعات انسانی





دو گوهر همزاد

زرتشت در فلسفه خود به دو گوهر همزاد اشاره می‌کند که در نظم هستی نقش دارند. این دو گوهر، همزاد اما متضاد هستند مانند مثبت و منفی، شب و روز، خوبی و بدی و... نام این دو گوهر همزاد سپنته مینو و آنگره مینو است. «اهورامزدا در آیین آشوزرتشت سرچشمه همه نیکی‌ها و خوبی‌هاست، در مقابل او آفریدگار یا فاعل شری وجود ندارد. انگره مینو یا خرد گمراه و خبیث که بعدها به مرور ایام اهریمن گردید و زشتی‌های جهان از قیل اوست، در مقابل اهورامزدا نیست بلکه در مقابل سپنته مینو است که خرد مقدس است.

جهان مادی آمیخته‌ای از این دو گوهر همزاد است و تصادم آن دو در آدمی تعادل ایجاد می‌کند. اما تفوق شر موجب تباهی و انهدام است و سراسر آیین زرتشتی تأکید در مبارزه با مظاهر انگره مینو و پیروی از سپنته مینو است.

بیمرگان مقدس؛ فروزه‌های اهورامزدا

اهورامزدا آفرینشگر شش امشاسپند یا بی‌مرگ مقدس است. این شش امشاسپند، فروزه‌های اهورامزدا هستند که شکل نماد و باور نیز دارند. اهورامزدا در بالا و این شش باور مقدس به پاکان جاودان در پایین قرار دارد. اهورامزدا هر کدام از این شش امشاسپند را نگهبان چیزی قرار داده است. انسان برای رسیدن به اهورامزدا باید رفتار خود را با این شش فروزه هماهنگ کند. آن وقت است که سروش کمک می‌کند تا اهورامزدا در قلب انسان جای بگیرد.

این شش نماد یا فروزه عبارتند از:

یک: وهومن (بهمن) به معنی اندیشه نیک. آشوزرتشت در گات‌ها می‌گوید هنگامی که با اندیشه نیک با تو روبه‌رو می‌شوم تو را می‌بینم.

دو: آشه وهیسته (اردیبهشت) به معنی بهترین آشویی یا بهترین راستی یا هنجار مطلق.

سه: خستره ویتریه (شهریور) به معنی توانایی مینوی و پادشاهی بر خود. فروزه توانایی در انسان، نمادی از توانایی ذاتی اهورامزداست که محدود و متناهی است و باید پرورش یابد: توانایی گذشت و مهربانی، توانایی هماهنگی بین احساس و خرد، توانایی پیروی از اشاء، توانایی دفاع از حق و مبارزه یا دروغ، توانایی رسیدن به آزادی و آزادمنشی و... (نیکنام، ۱۳۸۲، ص ۱۳).

چهار: سپنته آرمیتی تی (سپندارمذ یا اسفند) به معنی مهرورزی یا فروتنی مقدس. در آیین مزدیسنی رابطه انسان و اهورامزدا بر دوستی و مهر است نه از سر ترس. پس انسان باید فروزه «مهرورزی» را در خود افزایش دهد.

خویشترداری، گذشت، فروتنی، مهربانی و داد و دهش از پرتوهای این فروزه است.

پنج: هه اوروات (خرداد) به معنی رسایی و کمال. شش: امیره‌تات (امرداد) به معنی جاودانگی و بی‌مرگی.

انسان با راهبری این آفریدگان پاک جاودانه که هر کدام گامی به سوی اهورامزداست می‌تواند هفتمین گام را بردارد که سرئوشه (سروش) است و در این مرحله نور حقیقت و ندای اهورایی قلب را روشن خواهد کرد. زمانی که اندیشه و قلب با کمک امشاسپندان پالایش یافت، اهورامزدا در قلب است.

در آیین زرتشتی روز آفرینش سپندارمذ (سپنتارمیتی) یا فروتنی و عشق مقدس از گذشته تا امروز روز زن و مادر بوده است.

«امشاسپند بهمن نخستین آفریده و راهبر است که با یاری اردی‌بهشت رهروان را به شهریاری آرمانی می‌رساند. این شهریاری وجهی در آفاق دارد و آن حکومت نیک‌جهانی است و وجهی در انفس هم دارد و آن قدرت در سلطه بر خویش است. برآیند آن رسیدن به درست‌منشی و سلامت نفس است که امشاسپند سپندارمذ نماد آن است. از آن پس دست یافتن به کمال و بی‌مرگی، امکان‌پذیر می‌گردد» (مزدایور، ۱۳۸۲، ص ۲۴).

سه اصل بزرگ زرتشتی

هومت (hovamat)، هوخت (huxt) و هورشت (hovarst) سه اصل بزرگ آیین بهی است که همان اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک است. این سه کلمه را در سراسر گات‌ها و تمام اوستا می‌بینیم. در مقابل سه کلمه دژمت، دژوخت و دژورشت هم به معنی اندیشه، گفتار و کردار ناپاک است که فرد باید آنها را از هم پاک کند.

«دین زرتشتی هرگز دوگانه‌پرست نیست بلکه میان نیکی و بدی قایل به تمایزی است قاطع و این تمایز معنی و اعتباری اخلاقی دارد. معیار این تمایز خرد مردمی و حمایت از حیات و زندگانی نیک و خوش است. برای بیشترین شمار از زندگان، تجلی این دستور در اندیشه یا پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک پدیدار می‌شود...» (مزدایور، ۱۳۸۲، ص ۲۲).

معیار نیک و بد؛ پاسداری از زندگی

«در تعریف و توافق بر معنای نیکی و بدی، در اینجا ابعاد طبیعی و ساده‌زیستی معیار است. خرد حکم می‌کند و احکام آن را می‌شود با دقت کاوید و با معیارهایی هرچه عینی‌تر سنجید و نیک را بر بد برگزید. راهنمای ما برای چنین گزینشی چیزی نیست جز منش یا اندیشه نیک.

امشاسپند بهمن نماد اندیشه نیک است و گوسپند در گیتی، مایملک بهمن و هر که را باید که بهمن را ستوده دارد، می‌باید که گوسپند نیکو آفریده را پاسداری کند» (شایست، ناشایست، ۱۳۶۹، فصل ۱۵، بند ۹). گوسپند در این متون به معنای مطلق «جانور» و «جانور نیک» است. بنابراین، حمایت از زندگی، به معنای مطلق کلمه، با نیک‌اندیشی و اندیشه نیک یکتایی می‌یابد و یکی می‌شود» (مزدایور، ۱۳۸۲، ص ۲۳).

فروهر: گوهر اهورایی در انسان

در باور سنتی زرتشتیان، وجود انسان از چهار گوهر تشکیل شده که به هم پیوسته‌اند و از تأثیر این چهار گوهر بر یکدیگر، انسان به پیوندگی و بالندگی می‌رسد. این چهار گوهر عبارتند از: تن و جان که مربوط به جهان مادی است و روان و فروهر که مربوط به بعد مینوی سرشت آدمی است. واژه فروهر از دو قسمت فر به معنی «پیش» و وهر به معنی «کشنده و برنده» درست شده و در مجموع یعنی «پیش‌برنده». فروهر پرتوی از فروغ بیکران ذات اهورامزداست که در ذات هر شخص، سرچشمه پیدایش و پویایی فروزه‌های آشویی است.

در دوره هخامنشیان نشانه‌ای برگرفته از اندیشه‌های بنیادی دین آشوزرتشت و برخی از نمادهای اندیشه دیگران بویژه آیین مهر، موجب شکل گرفتن نگاره فروهر شد.

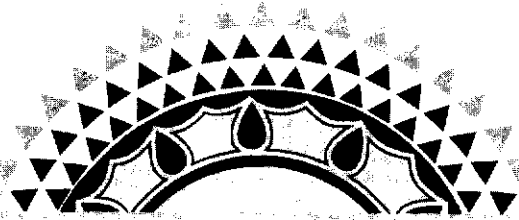
هر یک از اندام‌های نگاره‌های فروهر، گویای مفهومی در اندیشه نیکان است (نیکنام، ۱۳۸۲، ص ۵).

پیام آشوزرتشت در آیین گات‌ها

در گات‌ها آزادی اجتماعی و اصالت مقام انسانی کاملاً آشکار است: در هنگامی که تو ای مزدا در روز نخست از خرد خویش، بشر، دین و نیروی اندیشه را آفریدی، در هنگامی که زندگانی را به قالب مادی درآوردی، آن زمان که تو کردار و اراده خود را آفریدی، خواستی که هر کس بر حسب اراده خود و از روی اعتقاد باطنی رفتار کند (یسنه، ۳۱-۱۱).

در گات‌ها، اهورامزدا از خرد کل آفرینش را پرداخت، آفرینشی که با نیکی یکسان است (یسنه، ۳۱-۷). زرتشت می‌گوید: «هنگامی فرارسید که در اندیشه‌ام موجی راه یافت و من به تو اندیشیدم، دریافتم که تویی بی‌آغاز و بی‌انجام، تویی خرد پاک جهان که تغییر و دگرگونی در تو راه ندارد و چون این را دریافتم، دانستم که تویی داور جهان و کرده‌های ما به تو برمی‌گردد تا داوری کنی» (یسنه، ۳۱-۸).

مزدیسنی اولین کیشی است که مسأله بهشت و دوزخ را در مقابل کردار نیک و اعمال ناشایست



وعده می‌دهد.

در اهنوود گات یسنا ۳۳، قطعه یک می‌گوید کسی که دوستدار حقیقت و اشاست، چه از پیشوایان، چه از اشراف و بزرگان روزی در فردوس اشا وهومن زندگی جاوید خواهد داشت.

اشوزرتشت از اهورامزدا می‌خواهد: ای اهورامزدا خود را به من نموده، مرا به توسط آرمیتی (نیروی عشق مقدس) توانایی‌ام بخش و به توسط سپننه مینو (خرد مقدس) نیرویم ده و با اشا (راستی) از پاداش نیک بهره‌مندم ساز و به وسیله وهومنه (نیک‌منشی) توانایم کن.

درباره سه اصل بزرگ، اشوزرتشت در یسنا، های دهم، بند شانزدهم می‌خواند: برای پنج چیز هستم/ برای پنج چیز نیستم/ برای اندیشه نیک هستم/ برای اندیشه بد نیستم/ برای گفتار نیک هستم/ برای گفتار بد نیستم/ برای کردار نیک هستم/ برای کردار بد نیستم/ برای فرمانبرداری هستم/ برای نافرمانی نیستم/ برای راستی هستم/ برای دروغ نیستم.

اشوزرتشت در آرزوی صلح و دوری از جنگ است. ای اهورا به روان آفرینش تاب و توانایی بخش، از راستی و پاک‌منشی وسیله‌ای برانگیز که به نیروی آن صلح و آرامش برقرار گردد. و اما در این صلح‌جویی ضعف راه ندارد. او می‌گوید: خشم باید بازداشته شود، اما در مقابل ستم از خود دفاع کنید (یسنا، ۴۸-۷).

داد و دهش در جشن‌های خلقت (گاهنبارها)
کائنات در شش گاهنبار آفریده شد. گاهنبارها جشن‌های فصلی و مربوط به زندگی کشاورزی و دامپروری است و در اصل نوعی جشن‌های کشاورزی به حساب می‌آید. در وجه تسمیه گاهنبار گفته می‌شود که در ایران باستان، زرتشتیان کشاورز زمانی که می‌خواستند محصولانشان را انبار کنند، داد و دهش می‌کردند. پس گاهنبار، گاه انبارکردن بود. گاهان نماز زرتشتی است و در گاهنبار پیش از هاون (زمانی که آفتاب هنوز طلوع نکرده) اوستاخوانی آغاز می‌شد و بار می‌دادند. این رسم همچنان به قوت خود کاملاً باقی است. گاهنبارها پنج روز هستند و در این جشن‌های پنج‌روزه زرتشتیان دور هم جمع می‌شوند و اوستا می‌خوانند، (در خانه‌ها و گاهنبارخانه) سفره پهن می‌کنند و به داد و دهش می‌پردازند. در این جشن‌های پنج‌روزه چون همه دور هم جمع می‌شوند، به حل و فصل مشکلات یکدیگر نیز می‌پردازند و هرگز از تقدس گاهنبارها در جامعه زرتشتی کاسته نشده است و برگزاری گاهنبارها همیشه از واجبات دینی بوده و هست. اولین جشن گاهنبار از روز خور تا دی به مهر

اردیبهشت یعنی از ۱۰ تا ۱۴ اردیبهشت به نام میدیوزرم به معنای «میانه بهار» برگزار می‌شود که هنگام آفرینش آسمان از سوی خداوند است. گاهنبارهای دیگر به ترتیب عبارتند از: گاهنبار میدیوشهیم‌گاه: از خور تا دی به مهر تیرماه، ۸ تا ۱۲، به معنی میان تابستان، هنگام آفرینش آب.

گاهنبار پینته شهیم‌گاه: از روز اشتاد تا انارام شهریور، ۲۱ تا ۲۵، به معنی پایان تابستان، هنگام آفرینش زمین.

گاهنبار ایاشرم‌گاه: از روز اشتاد تا انارم در ماه مهر، ۲۰ تا ۲۵، به معنی آغاز سرما، هنگام آفرینش گیاهان.

گاهنبار میدیاریم: روز مهر تا وره‌رام از ماه دی، ۱۰ تا ۱۴، به معنی میانه آرامش، هنگام آفرینش جانوران.

گاهنبار همس یت میدیم‌گاه: از روز اهنود تا وهیشتوایش در ماه کاتبیو، ۲۵ تا ۲۹ اسفند، به معنی برابرشدن روز و شب، هنگام آفریده

شدن انسان از سوی خداوند و پایان آفرینش. به غیر از جشن نوروز و گاهنبارها، زرتشتیان هر روزی را که نامش با نام آن ماه یکی می‌شد جشن می‌گرفتند چون در گاهشماری زرتشتی هر روز نام ویژه‌ای داشت که به این موضوع در گزارش گاهشماری زرتشتیان اشاره شده است (اخبار ادیان، شماره اول، ۱۳۸۲).

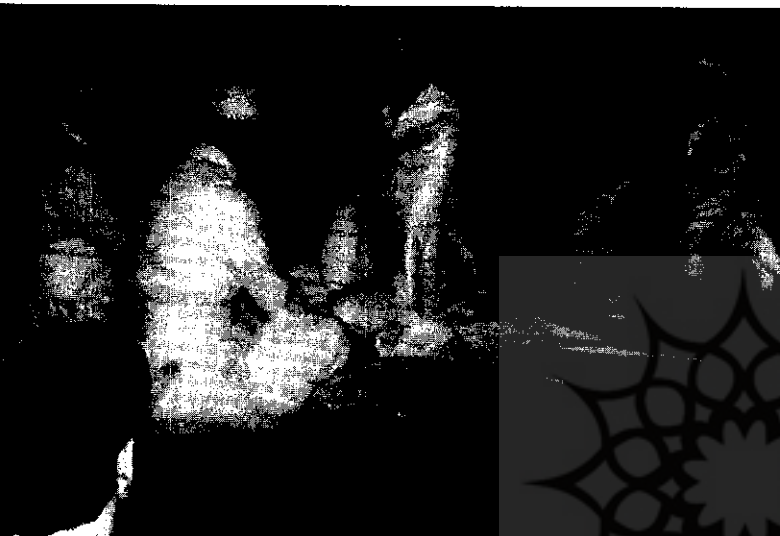
جشن و سوگ در آیین اشوزرتشت

در آیین اشوزرتشت به شادی و جشن سفارش شده است و سوگ و سوگواری به انگره مینو نسبت داده شده و بهدینان از سوگ و عزا منع شده است.

اشاره کوتاهی به جشن نوروز

زرتشتیان به مناسبت‌های گوناگون تاریخی، ملی، طبیعی و دینی جشن می‌گیرند. از جشن‌هایی که در یک سال خورشیدی برپا می‌شود نوروز، مهمترین جشن ملی ایرانیان است. در باور زرتشتیان نوروز که از ماه فروردین آغاز می‌گردد، از آن فروهر درگذشتگان است که از ده روز پیش از نوروز برای سرزدن به بستگان خود به سوی آنها می‌آیند. به همین انگیزه در پایان اسفندماه هر سال خانه‌تکانی می‌کنند و خشم و کینه را از جان و روان خود می‌زدایند تا فروهر درگذشتگان خشنود گردند و در سال جدید، برکت و بهروزی را به بازماندگان پیشکش کنند.

جشن‌های تیرگان، مهرگان و اسفندگان
تیرگان، تیرروز از تیر ماه است و همان جشن آب‌پاشان است که در باور سنتی با این کار خرمی و سرسبزی را با آمدن باران آرزو می‌کنند و مهرگان جشن مهر و دوستی است که در روز مهر از ماه مهر برگزار می‌شود و با ساز و گشت (gest) همراه است و اسفندگان روز



سیندارمذ از ماه اسفند است که چون سپننه آرمیتی عشق پاک و مقدس از زنان سرچشمه می‌گیرد. در ایران باستان این روز را به زنان و مادران اختصاص داده‌اند و روز بزرگداشت مقام زن است.

بهمن‌گان یعنی بهمن‌روز از بهمن‌ماه هم که به امشاسپند وهومن (بهمن) تعلق دارد، روز پدر نامگذاری شده و آن را با این مناسبت جشن می‌گیرند. امروزه تمام این جشن‌ها به صورت مفصل برگزار می‌شود.

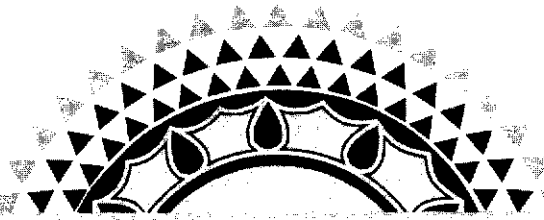
جشن سده

یادگار مهارشدن آتش به گزارش شاهنامه است. در شامگاه، روز دهم بهمن پشته‌های هیزم را جمع کرده و آن را با مراسم ویژه‌ای آتش می‌زنند.

سدره و گشتی

«سدره» (sadrh) پیراهنی است گشاد با آستین کوتاه و بدون یخه که از پارچه سفید درست شده و زرتشتیان آن را در زیر لباس دیگر، وصل به بدن می‌پوشند.

در جلو سدره از گریبان به پایین چاک‌کی است که تا سینه می‌رسد و در انتهای آن کیسه کوچکی قرار گرفته به نام کیسه «کرفه» (karfe) (کرفه به معنی ثواب و کار نیک) که به عقیده زرتشتیان مؤمن گنجینه اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک است و پوشنده آن باید بکوشد که وجود



می‌خواند...» (جدلی، ۱۳۸۰، ص ۴۱۴)

سلسله مراتب دینی در آیین زرتشتی

در آیین زرتشتی تنها کسی می‌تواند موبد (روحانی دین) شود که از پدر موبد زاده باشد. اما ده موبد (deh mobed) یا «موبدیار» که وظیفه‌اش کمک به موبد و انجام مراسم ازدواج و... است می‌تواند یا طی آموزش‌های دینی و دوره‌های مختلف این مقام روحانی را کسب کند.

«موبد موبدان» در اصل رهبر دینی جامعه زرتشتی بوده که امروزه چنین کسی وجود ندارد و جایش را به مجمع موبدان داده است که این مجمع با کمک هم می‌توانند سؤالات دینی زرتشتیان را پاسخ گویند.

همچنین از طرف جامعه زرتشتی دو موبد، یکی روانشاد موبد رستم شهزادی و دیگری روانشاد موبد اردشیر آذرگشسب به دلیل جامع‌العلوم بودن و ذهنیت نواندیش و تأثیرگذارشان، به لقب موبد موبدان، مفتخر شده‌اند. این دو موبد از کسانی هستند که جای خالی‌شان تا مدت‌ها پر نخواهد شد.

مفهوم نواندیشی دینی در جامعه زرتشتی

جامعه زرتشتی به دلیل شرایط و شیوه زندگی و تفکر اجتماعی، جامعه‌ای پایبند سنت است که به هیچ وجه علاقه‌ای به کنارگذاشتن سنت‌ها و یا تغییرشان ندارد. اما در همین جامعه سنتی نیز به دلیل احساس نیازها، بزرگان فرهیخته‌ای چون موبد رستم شهزادی، موبد اردشیر آذرگشسب و موبد فیروز آذرگشسب همواره در تغییر آیین‌ها و کنارگذاشتن موهومات و خرافات و باورهای غلط تلاش کردند. این سه و بیشتر دو نفر اول با نوشتن کتاب‌های دینی (چون آثار موبد اردشیر آذرگشسب) و سخنرانی‌هایی جامعه را به سوی پالایش دینی هدایت کردند، اما آنچه به نظر می‌رسد این است که امروزه دیگر اقدامی برای ادامه حذف آیین‌های تشریفاتی و موهومات و خرافات انجام نمی‌شود.

گرایش دینی در میان جامعه زرتشتی

زرتشتیان با پایبندی به دین، مناسک و سنت‌های دینی و اجتماعی توانسته‌اند، هویت زرتشتی‌گری خود را با تمام مسائل و مشکلات اجتماعی حفظ کنند.

امروزه در میان جوانان گرایش به گاتاخوانی و آموزش آن دیده می‌شود که این، هم به دلیل زیبایی، آهنگ ویژه و مفاهیم شاعرانه آن است و هم به دلیل آسان بودن آن نسبت به سایر قسمت‌های اوستا یا کتاب‌های دیگر.

جوانانی که شروع به گاتاخوانی می‌کنند بعدها در جریان درک مفاهیم و تفسیر آنها برخوانند آمد.

باید دارا باشد، اشوئی کامل و پاکي درون و برون است. او بایستی از هر حیث مراعات طهارت و نظافت را کرده و جامه تن و همین‌طور اندیشه و منش خود را از آلودگی و تیرگی پاک نگه دارد. شخص زرتشتی باید در هنگام نماز سرش را با کلاه یا روسری ببوشاند. قبله یا سوی پرستش زرتشتیان به سوی نور است حال به هر شکلی که تجلی کند. خواه این نور خورشید تابان باشد یا آتشی سوزان و چراغی فروزان.

نماز را در ساعات قبل از ظهر رو به خاور که خورشید از آنجا طلوع می‌کند و در بعد از نیمروز به سوی باختر [می‌خوانند] ولی در دل شب تار، بهدینان در برابر چراغ یا آتش افروخته به نماز می‌ایستند. نماز زرتشتی در ۵ گاه خوانده می‌شود» (آذرگشسب، آیین سدره‌پوشی، ص ۳۴).

هنگامی که یک زرتشتی این نماز را می‌خواند، گُستی را از دور کمرش باز می‌کند و در حالی که آن را با دو دست تا می‌کند، بالا نگاهش می‌دارد.

خودش را با این سه صفت بیاراید.

«گُستی (kosti)» یا «گُستی (kosti)» بندی است باریک و بلند که از ۷۲ نخ پشم گوسفند درست شده باشد. این ۷۲ نخ را هنگام بافتن به ۶ قسمت که هر یک دارای ۱۲ نخ باشد تقسیم می‌کنند و به هم می‌بافند و در انتهای کُستی در بافتن گره‌هایی به آن داده می‌شود. زرتشتیان کُستی را بر روی سدره سه دور به گرد کمر می‌بندند و در دور دوم دو گره به جلو و در دور سوم دو گره پشت سر به کُستی می‌دهند. کُستی بند بندگان اهورامزداست و زرتشتی باید آن را از خود نکند مگر در دو حالت یکی هنگام آب‌تنی کردن و دوم زمانی که زنی دستان باشد» (آذرگشسب، آیین سدره‌پوشی، ص ۱۸).

آیین سدره‌پوشی

هر پسر یا دختری که در خانواده زرتشتی به سن لازم رسید و خرد او اجازه داد تا آموزش‌های اشوزرتشت را درک کند و در زندگی به کار گیرد، برایش جشن سدره‌پوشی برپا می‌کنند و او به طور



شخص باید روبه‌روی نور چراغ یا خورشید باشد. گُستی را بالا می‌برد و به پیشانی و چشم‌ها می‌مالد و ممکن است حرکت‌های دیگری هم به مانند زدن ضربه به شکل شلاقی برای دفع اهریمن انجام دهد. در ضمن دعاهایی را به اوستای گاهانی، اوستای متأخر و پازندی

رسمی کیش نیاکان خود را می‌پذیرد. در این روز سفره سفیدرنگی وسط اتاق می‌گسترند و در چهار گوشه، چهار چراغ یا شمع روشن می‌گذارند و موبدیار مراسم را اجرا می‌کند.

نماز زرتشتی

«نخستین چیزی که شخص در هنگام نماز خواندن



اما به طور کلی دینداری و اجرای مناسک آیینی در میان نسل گذشته و سالخوردگان و همین طور زرتشتیان شهرستانها و روستاها بیشتر به چشم می خورد.

شغل و معیشت

حرفه ویژه و مقدس زرتشتیان در گذشته کشاورزی بوده است، زیرا زرتشت آیینی است که در دوران کشت و زرع و کنارگذاشتن زندگی چادرنشینی، به گفت و گو با انسانها پرداخت. در آیین آشوزرتشت همه جا به احترام عناصر چهارگانه آب و باد و خاک و آتش و استفاده از زمین برای کار کشاورزی سفارش شده است. شاید یکی از علل شیوه تدفین مرده‌های زرتشتی به شکل دخمه گذاری در گذشته، بی استفاده نکردن زمین کشاورزی به وسیله دفن مرده بوده است.

زرتشتیان تهران در ابتدا برای تجارت به تهران آمدند و بعدها زمین‌هایی نیز خریداری کردند. وضعیت نسبی رفاه عمومی در میان زرتشتیان بالاست. یکی به دلیل اینکه صاحبان سرمایه، در میان جماعت (جامعه زرتشتی به خودش جماعت می گوید) زرتشتی سرمایه گذاری می کنند و این سرمایه تولید کار و اشتغال می کند.

دوم اینکه اصلاً در آیین آشوزرتشت فقر را به انگره مینو نسبت می دهند و زرتشتی مؤمن باید به فکر از بین بردن این جلوه اهریمنی در جامعه زرتشتی باشد، هرچند در مناسبات اقتصادی امروز چنین چیزی آرزویی خام و کودکانه است و طبق مشاهدات گزارشگر در روستاهای کرمان و یزد و حتی در محله‌های یزد و کرمان نیز، آثار فقر چشم را می آزارد و فکر اینکه داد و دهش به تنهایی می تواند این مشکل را حل کند، ساده انگارانه است.

سطح سواد و تحصیلات

شاید به جرأت بتوان گفت که ۹۵٪ زرتشتیان پاسواد هستند. دانش آموختن یکی از وظایف دینی است. آموختن و آموزش در دین آشوزرتشت بسیار تأکید و سفارش شده است.

جرایم اجتماعی

در میان زرتشتیان جرایم اجتماعی کمتر است. در آیین آشوزرتشت کار و کوشش فریضه‌ای دینی است؛ ضمن اینکه جامعه زرتشتی از نظر سطح نسبی رفاه از وضعیت عمومی جامعه، بالاتر است.

مدارس زرتشتیان تهران

زرتشتیان در ساختن مدارس، بسیار پیش قدم بوده‌اند. یکی از اولین مدارس دخترانه تهران راه زرتشتیان ساختند. پارسیان هند در ساختن مدارس زرتشتی در شهرهای تهران، یزد و کرمان نقش مهمی داشتند. بویژه باید از خیراندیش بزرگ

جامعه پارسیان هند در دوره قاجار یعنی مانکجی ها تاربا نام برد.

پراکندگی جمعیتی زرتشتیان

از جمعیت زرتشتیان ایران آمار دقیقی در دست نیست؛ اما بنا به گمانه‌زنی‌ها جمعیتی در حدود پنجاه هزار تن هستند. امروزه بیشترین آنان در شهر یزد و توابع آن، کرمان و توابع آن، مشهد، تهران، کرج و شیراز زندگی می کنند. در شهرهای اهواز، آبادان، بندرعباس و زاهدان هم زرتشتی‌ها سکونت دارند. مهاجرت زرتشتیان به خارج از کشور بسیار است. زرتشتیان هر منطقه صاحب مشترکات فرهنگی - اجتماعی خاصی هستند که با زرتشتیان منطقه دیگر تفاوت دارد. یکی از این تفاوت‌ها در میزان گرایش به آداب و رسوم و سنت‌هاست، دیگری در شکل اجرای مراسم. همچنین میزان گرایش دینی زرتشتیان در پایتخت با شهرستانها متفاوت به نظر می رسد و گویش و لهجه آنها متفاوت است.

زرتشتیان و مسئله ملیت

امروزه زرتشتیان به صورت یک اقلیت مذهبی یکپارچه با هیچ یک از اقوام و مردم مناطق و اهل ادیان مختلف از نظر رفتارهای اجتماعی و دینی مشکلی ندارند. زرتشتیان صاحب آدریان‌ها (آتشکده‌ها)ی خود در کنار مساجد و کلیساها هستند و به اجرای مناسک و مراسم خود می پردازند. در آیین‌های زرتشتیان می توان به دنبال فرهنگ و آیین اصیل ایرانی بود. «برای زرتشتی مؤمن، قومیت در دین زرتشتی پدیده‌ای تعریف نشده است و برعکس دین زرتشت به پدیده "ملیت" می پردازد.» همین طور است که آیین آشوزرتشت ضد هرگونه نژادپرستی است. زرتشتیان ایران هم همگی آریایی نیستند و خواهی نخواهی با آریایی گرایانی نیز چندان سر سازگاری ندارند (مزدآپور، ۱۳۷۸، ص ۱۵۹).

گویش زرتشتیان ایران

زرتشتیان ایران در میان خود به گویش خاصی سخن می گویند که خود به آن دری یا گوری (gavri) می گویند. زنده یاد استاد پورداوود در مقدمه فرهنگ بهدینان به نزدیکی واژه «گوری» با لغت «گبر» و «گبری» اشاره می کند و کاربرد آن را مناسب نمی داند و عنوان «بهدینی» را به جای آن پیشنهاد می کند.

اولین کتاب ارزنده‌ای که در حوزه گویش زرتشتیان کرمان به چاپ رسید، فرهنگ بهدینان از روانشاد جمشید سروشیان بود که مقدمه زنده یاد استاد پورداوود را به همراه داشت.

زرتشتیان یزد و کرمان هنوز کاملاً به این گویش سخن می گویند و صاحب ادبیات شفاهی و

صورت‌های گفتاری و آوازی به این گویش هستند؛ اما زرتشتیان تهران بخصوص نسل جوان کم کم این زبان را به فراموشی سپرده‌اند، هرچند امروزه گرایش به یادگیری دوباره گویش دری (بهدینی) در میان نسل جوان زیاد است و به عنوان مثال می توان به تشکیل کلاس‌های گویش بهدینی در مؤسسه فرهنگی جمشید توسط دختر موبد شهزادی اشاره کرد.

کتاب بعدی در این حوزه، واژه‌نامه گویش بهدینان شهر یزد، پژوهش و گردآوری کتابیون مزدآپور است که یک جلد آن به چاپ رسیده و سه جلد دیگر آماده چاپ است.

در هر صورت گویش زرتشتیان ایران، زبانی است باقی مانده از زبان‌های مادی که به گفته کتابیون مزدآپور شاید گویش موبدان و مغان مادی بوده است که بعدها به دلیل «داشتن رجحان و صبغه دینی به عموم پیروان دین باستانی ایران و همه بهدینان که خود بازمانده اقوام و مردمی گوناگون و ساکنان نواحی مختلف این سرزمین بوده‌اند، انتقال یافته باشد» (مزدآپور، ۱۳۷۴، ص ۶).

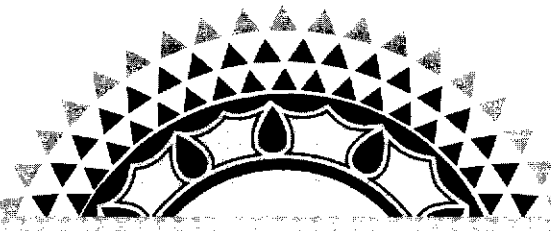
زرتشتیان ایران در سده میانی

در حمله مغول‌ها به ایران زرتشتیان بسیاری کشته شدند. خراسان که محل سکونت زرتشتیان بسیاری بود، بیشتر از همه شهرها تخریب شد و بعد از بازسازی هم دیگر به زرتشتیان اجازه وارد شدن به شهر را ندادند. بیشتر زرتشتیان کرمان گفته‌اند که اجداد آنها در گذشته در خراسان می زیسته‌اند. به قدرت رسیدن پادشاهان صفوی نیز برای زرتشتیان بی‌خانمانی، تبعیض، آزار و اذیت به همراه داشت و این بی‌عدالتی‌ها تا سال ۱۸۵۴ که مانکجی لیمجی هاتریا (Manakji Limagi Haterya) به ایران سفر کرد ادامه داشت. جمعیت زرتشتیان در ابتدای دوره صفوی حدود شصت هزار خانوار برآورد می شد که در اواخر حکومت فتحعلی شاه، تنها شش هزار خانوار باقی مانده بود. تنها در زمان کریم خان زند بود که گفته می شود جزیه‌ها کاهش یافت و در زمان ناصرالدین شاه با تلاش و فعالیت مانکجی، جزیه قطع شد (بهی زاده، ۱۳۸۱، ص ۲۶۹-۲۶۸).

زرتشتیان حدود یک سده است که از زیر بار پرداخت جزیه (مالیات بر مذهب) بیرون آمده‌اند.

اولین انجمن‌های زرتشتی

«انجمن‌های زرتشتیان در فاصله این سال‌ها به نام انجمن وهان وهدینان خوانده می شد و حل و فصل کلیه امور زرتشتیان هر محل به دست این انجمن‌های محلی بود که گاهی هم در مواقع لزوم از دستوران بزرگ یا هیئت موبدان یا کنکاش



موبدان مشورت و درخواست ارائه نظر می کردند ولی این انجمن ها به طور غیررسمی و بدون ثبت در دفاتر دولتی به کار می پرداخت و تنها نماینده رسمی جماعت زرتشتیان هر محل یک نفر به نام کدخدا بود که در مواقع لزوم به حضور حاکم محل احضار می شد» (شهزادی، ۱۳۴۵، ص ۵۲).

انجمن مازدیستان یا انجمن وهدینان (بهدینان)

انجمن وهدینان پس از الغای جزیه زرتشتیان به حکم ناصرالدین شاه به پاس این خدمت به نام انجمن ناصری خوانده شد که پس از اعلام مشروطیت و قرارگرفتن زرتشتیان در ردیف اقلیت های رسمی مذهبی ایران به نام انجمن زرتشتیان معروف گشت (شهزادی، ۱۳۴۵، ص ۵۳).

اولین انجمن زرتشتیان تهران در ۱۲۹۱ هجری شمسی و در زمان انقلاب مشروطیت تشکیل شد. در دوران مشروطیت زرتشتیان در قیام مشارکت جستند. آنها از طریق پرداخت وجه نقد و کمک مالی و واردکردن اسلحه به وسیله بازرگانان زرتشتی (اشیدری، ۱۳۵۵، ص ۲۴۲-۲۴۱) و نیز مساعدت های پارسیان هند بویژه در قیام همکاری داشته اند. تجارتخانه های جمشیدیان، جهانیان و مهربان پارسیای با مجاهدان معاضدت ورزیده اند. از شهیدان زرتشتی در این مبارزه ارباب پرویز شاه جهان (اشیدری، ۱۳۵۵، ص ۲۴۳) و فریدون خسرو اهرستانی معروف به گل خورشید را می شود نام برد.

ارباب جمشید جمشیدیان، اولین نماینده زرتشتیان در مجلس بود و بعد از او ارباب کیخسرو شاهرخ نماینده مجلس شد. او اولین رئیس انجمن زرتشتیان تهران بود.

وظایف انجمن زرتشتیان تهران

انجمن زرتشتیان تهران در رأس انجمن های زرتشتیان ایران قرار دارد و تا امروز ۳۹ دوره سه ساله را که به آن «گردش» می گویند پشت سر گذاشته است. این انجمن ۲۱ عضو دارد که برای دوره سه ساله از میان کاندیداهای مردم که در دبیرخانه انجمن ثبت نام کرده اند، توسط زرتشتیان انتخاب می شوند. این اعضا، وظیفه انتخاب رئیس انجمن را به عهده دارند. انتخابات با حضور هیئت نظارت در سالن انجمن زرتشتیان تهران برگزار می شود.

در سال ۱۳۴۵، موبد موبدی رستم شهزادی وظایف انجمن را چنین برشمرده است:

۱. اداره مؤسسات آموزشی
۲. انجام بهتر مراسم گهنبارها به طوری که از حالت انزوا و بی توجهی بیرون بیاید

۳. بذل توجه بیشتر و استخدام معلم واجدالشرایط برای تدریس اوستا و دروس دینی زرتشتیان در مدارس زرتشتی

۴. احیای سنت و مراسم نیک نیاکان و احتراز از تقلید آداب و رسوم بیگانگان

۵. به کار انداختن و تکثیر سرمایه ویژه چاپ و ترجمه و نشر کتب دینی و فرهنگی ایران باستان

۶. تشویق جوانان زرتشتی با استفاده از سرمایه های اهدایی به فراگیری دانش دین و دیگر علوم مفیده امروزی

۷. کارهای عمرانی و اقدام برای آبادانی اماکن زرتشتی»

امروزه نیز تقریباً انجمن زرتشتیان با همین وظایف به کار خود ادامه می دهد. در تهران به غیر از انجمن زرتشتیان، انجمن موبدان یا کنکاش موبدان نیز فعالیت دارد.

از سال ۱۲۹۴ خورشیدی برای هماهنگی در برپایی آیین ها و مراسم دینی و فرهنگی در یزد کنگره آئوران به وجود آمد و به پیشنهاد زنده یاد کیخسرو شاهرخ به کنکاش موبدان تغییر نام داد. از جمله فعالیت هایی که این ارگان دینی انجام داد، پاسخگویی به پرسش های دینی و تأسیس مدرسه پسرانه موبدان (دینیاری) در ۱۲۹۵ خورشیدی بود که بعدها به صورت دبستان پسرانه دینیاری در اختیار آموزش و پرورش قرار گرفت. در سال ۱۳۳۰ نیز کنکاش موبدان تهران تأسیس شد و در سال ۱۳۴۲ با کنکاش موبدان یزد ادغام شد و از آن زمان پیک کنکاش را با هدف اطلاع رسانی و آموزش های دینی منتشر می کند.

یکی دیگر از انجمن های زرتشتی، سازمان زنان زرتشتی است که از سال ۱۳۲۴ تا امروز بیش از پنجاه و هفت سال است که فعالیت دارد. سازمان زنان زرتشتی، اولین سازمانی بود که کلینیک (اندرزگاه) را پس از جنگ جهانی دوم برای مادران و نوزادان دایر کرد و آنها به صورت رایگان معاینه می شدند و شیر خشک و ویتامین اهدایی از طرف یونیسف بین آنان تقسیم می شد و طرز نگهداری از اطفال و فواید شیر مادر نیز به مادران آموزش داده می شد. این کلینیک به مدت بیست و چهار سال بدون وقفه به فعالیت خود ادامه داد.

کلوپ دختران در سال ۱۳۳۷ و کلوپ دانشجویان در سال ۱۳۴۶ زیر نظر سازمان زنان زرتشتی تشکیل شد و پس از انقلاب به کانون دانشجویان زرتشتی مستقل تغییر نام داد. کانون دانشجویان از انجمن های بسیار فعال و پویای جامعه زرتشتی است که عمده کارهایش عبارت است از: برگزاری جام ورزشی جان باختگان در سطح جامعه زرتشتی، همایش گاناخوانی (مانتره) و همایش

موسیقی، برنامه میراث فرهنگی با هدف معرفی آیین ها، نمادها و اماکن زرتشتی، معرفی دانشجویان زرتشتی در هر سال، برگزاری گاهنبارها و جشن های ماهیانه، برگزاری روز مادر و روز پدر، برگزاری تورهای تفریحی پیر سبز، پیر نارکی و...

کنگره جهانی زرتشتیان جهان

اولین کنگره جهانی زرتشتیان جهان در سال ۱۳۳۹ خورشیدی به ابتکار انجمن زرتشتیان تهران در تهران برگزار شد.

کنگره های دوم تا پنجم در بمبئی و کنگره ششم در سال ۱۳۷۵ نیز در تهران برگزار شد که به کنگره بزرگ تهران معروف گردید. کنگره هفتم در هوستون آمریکا بود و کنگره هشتم در سال ۲۰۰۵ میلادی برگزار خواهد شد.

دومین کنگره جوانان زرتشتی نیز در اوایل پاییز امسال در کرمان برگزار می شود.

مکان های مقدس زرتشتیان در تهران

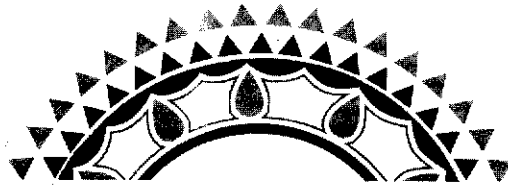
زرتشتیان به آتشکده یا مکان مقدس زرتشتی، آدریان (adoryan) می گویند. آدریان تهران در خیابان جمهوری، خیابان میرزا کوچک خان واقع است. علاوه بر آن، نیایشگاه ورهرام ایزد در خیابان ولی عصر- امیریه و آدریان تهران پارس را می توان نام برد. اخیراً نیز آدریان بزرگ تهران در بزرگراه کردستان در دست ساخت است.

نشریات زرتشتی

هوخت (گفتار نیک) از اولین مجله های پرباقعه زرتشتیان بود که تا سال ۱۳۶۳ نیز منتشر می شد. صاحب امتیاز این مجله دکتر رستم صرفه و سردبیر آن اردشیر جهانیان حدود سی و پنج سال به طور مرتب و هر ماه نشریه را منتشر کردند.

فروهر نیز یکی دیگر از مجله های زرتشتی است که بعد از انقلاب و بخصوص بعد از بسته شدن مجله هوخت به طور مرتب چاپ شده است. از دیگر نشریات زرتشتی می توان به هفته نامه امرداد که از مرداد ۱۳۷۹ به صاحب امتیازی جمشید کیومرثی آغاز به نشر کرده است، اشاره کرد.

نشر کتاب میان زرتشتیان سابقه طولانی دارد. «سنت چاپ کتاب را شادروان کیخسرو راستی (خسرویانی، ۱۳۷۷-۱۲۹۷) با راه انداختن دستگاه چاپ و چاپخانه راستی (تأسیس تهران، سال ۱۳۲۸) به نوعی تداوم بخشید (مزدایور، ۱۳۸۲، ص ۹۱). آغازگر این سنت، پارسیان هند بودند که کتاب های چاپ شده شان به ایران می رسید و دست به دست می گشت.



آساره‌های به چند چهره فرهنگی

یکی از چهره‌های برجسته زرتشتیان استان ماسدر خدابخش است. او اولین کسی بود که به ترجمه اوستای پهلوی به زبان فارسی پرداخت که تمام این متون به طرز مشکوکی گم و خودش نیز کشته شد.

از چهره‌های دینی زرتشتیان باید از موبد رستم شهزادی و دو برادر یکی به نام موبد اردشیر آذرگشسب و موبد فیروز آذرگشسب نام برد که از سال ۱۳۰۰ به این طرف در تغییر آیین‌های زرتشتی همچون تدفین مرده‌ها به جای دخمه‌گذاری و... مؤثر بوده‌اند.

یکی از کارهای سترگ موبد فیروز آذرگشسب برگردان گات‌ها به فارسی بود. او بعد از پانزده سال تلاش در سال ۱۳۵۱ نخستین جلد گات‌ها را مشتمل بر هفت فصل به چاپ رساند.

همچنین باید از جهانگیر اوشیدری، رئیس انجمن موبدان تهران یاد کرد که منشا خدمات فرهنگی فراوان بوده است.

یادداشتها

۱. آشو از ریشه اشا به معنای پاک است. در اینجا مانند حضرت است که پیش از نام پیامبران به کار می‌برند.
۲. مزدیسنا: خدایرستی، مزد: اهورامزدا و یسنا به معنای پرستش است.
۳. من آن پیر فرزانه‌ای را که رفقت از افسانه آن سوی تر دوست دارم

مهدی اخوان ثالث، (م. امید)

۴. مانکجی را می‌توان منجی زرتشتیان ایران به حساب آورد. او از پارسیان هند بود که در نیمه دوم سده نوزدهم به ایران آمد. وضعیت رقت‌بار زرتشتیان را دید و به همکشان هندی خود گزارش داد. سفرها و گزارش‌های متعدد او وسیله‌ای شد تا طی بیست‌ونه سال ناصرالدین شاه در سال ۱۲۶۱ خورشیدی زرتشتیان را از پرداخت جزیه معاف کند. معروف است که مانکجی جزیه ۹۹ ساله زرتشتیان ایران را با پول پارسیان هند از ناصرالدین شاه خریداری کرد. مانکجی در یکی از سفرهایش به ماهان از طرف رحمت‌لشاه، قطب سلسله نعمت‌اللهی لقب درویش فانی را ستاند (شهردان، ۱۳۶۳، ص ۶۲۴) همین طور او در سفرهای طولانی خود در عراق از محضر فقیه عالیقدر شیعه، حاج شیخ مرتضی انصاری درباره معامله و رفتار جامعه مسلمان با زرتشتیان پرسش کرد و این فقیه هر گونه شکستن حرمت و آزار و اذیت طایفه زرتشتیان را حرام دانست. مانکجی صاحب شور ایران دوستی و شوق به آشتی و روشن‌بینی و سعه صدر بود (مزدایور، ۱۳۸۲، ص ۷۸).

منابع

۱. آذرگشسب اردشیر (۱۳۵۴): آیین کفن و دفن زرتشتیان، چاپ راستی.
۲. آذرگشسب اردشیر (۱۳۴۴): آیین سدره‌پوشی، چاپ راستی.
۳. بهار، مهرداد (۱۳۷۳): گفتگوی دایره‌پوش شایگان و... با مجله کلک، شماره ۵۴.

۴. بویس، مری (۱۳۸۲): زرتشتیان، باورها و آداب دینی آنها، ترجمه عسکر بهرامی، نشر ققنوس، چاپ سوم.
۵. بهی‌زاده، کوروش (۱۳۸۱): «تاریخ زرتشتیان سده‌های میانی»، مجله چیستا، شماره ۱۹۲ و ۱۹۳.
۶. جدلی، فاطمه (۱۳۸۰): سدره و کُستی، مجله چیستا، شماره ۱۸۴ و ۱۸۵.
۷. خداوردی: مهربان (۱۳۵۶): انتشارات فروهر، چاپ دوم.
۸. دایو، خورشید دستور (۱۳۴۸) یزدگردی: ترجمه رشید شهردان، دانستی‌های آئینی زرتشتی، سازمان چاپ خواجه.
۹. ستا، تهمورس (۱۹۷۵ م): آموزش‌های زرتشت، پیامبر ایران، ترجمه و تفسیر موبد رستم شهزادی، بنیاد انتشارات فرهنگ آریایی، کراچی پاکستان.
۱۰. شهزادی، رستم (۱۳۴۵): «تاریخ انجمن‌های زرتشتیان»، مجله هوخت، شماره ۵، دوره هفدهم.
۱۱. شاهرخ، کیسخر (۱۳۳۷): آئینه آیین مزدیسنا، چاپخانه راستی.
۱۲. مزدایور، کتابون (۱۳۸۲): زرتشتیان، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ اول.
۱۳. مزدایور، کتابون (۱۳۷۳): واژه‌نامه گویش بهدینان یزد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۴. معین، محمد (۱۳۷۱): فرهنگ فارسی، جلد شش (اعلام) ذیل واژه زرتشت.
۱۵. نیکنام، کوروش (۱۳۸۲): جزوه نگاهی به دین زرتشتی، کنکاش موبدان.
- با سیاست از خانم کتابون مزدایور، تاج‌گوهر خادم، موبد کوروش نیکنام، دکتر اردشیری و آقای حمشید کیومرثی.

موسسه گفت‌وگوی ادیان موسسه‌ای غیر انتفاعی است که در جهت نزدیکی و همسخنی ادیان تلاش می‌کند. از خوانندگان و علاقه‌مندان درخواست می‌شود با اشتراک این نشریه گامی در جهت تحقق رسالت تقریب میان ادیان بردارند. در صورت تمایل می‌توانید بهای اشتراک مجله را به ازای هر شماره درخواستی ۵۰۰ ریال (در داخل کشور) به حساب جاری ۹۸۰۶۱۸۵۱ بانک تجارت شعبه آفریقا کد ۳۰ به نام موسسه گفت‌وگوی ادیان واریز کنید و فیش آن را همراه با فرم اشتراک و نشانی دقیق خود برای ما بفرستید تا مجله برای شما ارسال شود. هزینه ارسال نشریه به عهده اخبار ادیان است.

نام و نام خانوادگی:
سن:
تحصیلات:
شغل:
مدت اشتراک:
تلفن:
استان:
شهرستان:
آدرس دقیق پستی:

کد پستی:

اخبار ادیان